

جنگ سوریه به سلطه غرب در شرق میانه پایان می دهد

نویسنده: بهادر کمار

منبع: اندین پنچ لاین (27 اکتوبر)

مترجم: رسول رحیم

با سه هفته و پنج روز عملیات نظامی روسیه در سوریه، مسکو به اهدافی نایل شده است که قدرت های معظم خارجی در گیر در این کشور را مجاب می گرداند تا روی مواضعی که در این بحران اتخاذ کرده بودند، تجدید نظر کنند. جای تعجب نیست که درز های جدید در سیاست شرق میانه به وجود آمده اند. هفته گذشته شاهد اوج گیری فعالیت های دیپلماتیک برای پرداختن به این درزها بود.

نخست، البته همان طور که ایالات متحد امریکا مخالف نقش نظامی روسیه در سوریه است، واشنگتن و مسکو یادداشت رسمی تفاهمنامه ای را روز سه شنبه در رابطه به قواعد اساسی ای امضا نمودند که هواپیماهای هردو کشور را در حین عملیات شان در آسمان سوریه هدایت کند تا حوادث نا به هنگام به وجود نیایند. به زبان سیاسی، واشنگتن به این نکته می رسد که حضور روسیه در سوریه را تا یک آینده قابل پیش بینی بپذیرد.

این امر به سهم خود تبادلات دیپلماتیک بین ایالات متحد امریکا و روسیه را در مورد سوریه شدت بخشیده است. جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و سرگئی لاوروف همتای روسی اش روز جمعه در وین ملاقات کردند و در این نشست همچنان وزیران خارجه ترکیه و عربستان سعودی شرکت داشتند که راهیافت های مختلف را در مورد نزدیک گردانیدن جناح های مختلف در سوریه برای گفت و گو های صلح مورد بحث قرار دادند.

کری افشا نمود که این مباحثات شاید در یک چهارچوب وسیع تر (احتمالاً شامل ایران، مصر، اردن و غیره) هفته آینده ادامه یابد. این امر دلالت بر آن می نماید که مایه دلخوشی کافی وجود داشته است تا این مذاکرات در وین بدون تاخیر دنبال گردد. به عبارت دیگر، یک نوع اقدامات هم آهنگ شده بین ایالات متحده امریکا و روسیه در مورد سوریه در روز ها و یا هفته های آینده را نمی توان رد کرد.

البته روسها بسیار مایل اند که تا شان به شان با ایالات متحد امریکا کار کنند، که این امر از ملاحظات گسترده رئیس جمهور پوتین در مورد سوریه در هنگامی معلوم می شود که روز پنجشنبه در کلوب "ولادی" در سوچی سخنرانی می کرد. شنوندگان او عمدتاً امریکایی ها بودند و او جای تردید باقی نگذاشت که با دعوت غیر منتظره بشار اسد به مسکو در سه شنبه شب، به مثابه راهیافت چندین جهتی اش برای ایجاد نزدیکی بین جناح های جنگی در سوریه و در درون آن ها، و به کنار گذاشتن تروریستها، واقعاً می خواهد توجه همتای امریکایی اش بارک اوباما را به این چشم انداز جلب نماید.

پوتین افشا نمود که او به اسد توصیه نموده است که با "اردوی سوریه آزاد" « تماشای کاری ایجاد کند» که متشکل از گروه های شورشی آموزش دیده توسط سازمان استخبارات مرکزی امریکا یا "سیا" است و از جانب ترکیه و عربستان سعودی حمایت می شوند. به این ترتیب او در موضعگیری مسکو تا به حال یک نرمش پذیری را علامت داد. در گذشته مسکو می گفت که اپوزسیون «معتدل» وجود ندارد و اردوی سوریه آزاد یک مخلوق خیالی تبلیغات غرب است.

علاوه براین، مسکو اعلام نمود که جانبدار انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در سوریه و همچنان اصلاحات در قانون اساسی آن کشور می باشد. در مجموع روسیه کدام مخالفتی با «تغییر رژیم» در سوریه ندارد که به طور مرتب، مطابق به قانون اساسی سوریه و در یک پروسه دموکراتیک به وجود آمده باشد. تنها شرط این است که هر گونه انتقال و یا راه حل دراز مدت، باید «فراگیر» باشد و بازتاب دهنده منویات همه گروه های مذهبی و قومی در سوریه باشد. برای آنکه از این بابت مطمئن شد، پوتین انتظار دارد که که او با ما بالمقابل به اقدامات هم آهنگ شده ایالات متحده امریکا و روسیه در مورد پروسه صلح سوریه مجال بدهد.

درعین زمان، مصر و اردن به مسکو نزدیک تر گردیده اند. روسیه و اردن توافق نموده اند که در حقیقت یک مرکز هم آهنگی برای همکاری در ساحه، در جنگ علیه "دولت اسلامی" یا داعش به وجود آورند. این یک دستاورد منفرد دیپلماتیک برای مسکو است. زیرا مادامی که ایالات متحد امریکا و متحدانش دستور کار «تغییر رژیم» در سوریه را مطرح کردند، اردن یک کشور «خط مقدم جبهه» بوده است. بنابراین، اردن پایش را از شرکت برای سرنگونی اسد بیرون کشید.

تاجایی که به مصر مربوط می شود، به جانبداری از عملیات روسیه در سوریه سخن به میان آورده است و تاکید نموده است که جنگ علیه تروریسم باید اولویت اصلی باشد و علاوه بر آن اینکه، وحدت و ثبات سوریه مهمترین دغدغه اش را تشکیل می دهد. این موضع مصر عربستان سعودی را رنجه کرده است که خود را در سفر شتابزده عادل الجبیر وزیر خارجه آن کشور به قاهره در روز شنبه نشان می دهد. به نظر می رسد که الجبیر نتوانسته است مصر را ترغیب نماید که با راهیافت عربستان سعودی همنا گردد که از همان آغاز بر پیش شرط برکناری از قدرت اسد در هرگونه پروسه صلح تاکید می کند. در حقیقت اردن و مصر از اردوگاه عربستان سعودی «فرار کرده اند» و این امر عربستان سعودی را در صف بندی های منطقه یی، به شدت منزوی می گرداند. با اینهم هنوز بهترین امیدواری مسکو اینست که عربستان سعودی به میل خودش، سیاست اش را تغییر بدهد. در نگاه اول به نظر می رسد که عربستان سعودی بسیار تندرو باشد، اما همه شواهد تجربی نشان می دهند که چنین سیاستی دوامدار نیست. عربستان سعودی به طور گسترده ای در جنگ یمن درگیر است؛ صندوق بین المللی پول هشدار داده است عربستان سعودی در صورتی که آن را محتاطانه خرج نکند، تا پنج سال دیگر از پول تهی می شود. بدون تردید نارضایتی های فزاینده ای در این کشور وجود دارند و این یک راز آشکار است که حاکمیت شاه سلمان مورد رنجش برخی محافل خانواده سلطنتی آن کشور می باشد.

دیپلوماسی روسیه مصادف است با موفقیت استادانه در تحکیم علایق دوستانه با اردن و مصر در سال های اخیر. اما واقعیت اصلی آنست که هر سه آن ها سهامداران جنگ علیه "دولت اسلامی" یا داعش می باشند. با اینهمه، ترکیه یک قطعه (بازی) غیر قابل پیش بینی باقی می ماند. این کشور به خاطر همصاف شدن با کردها، هم از ایالات متحده امریکا و هم از روسیه انتقاد می کند؛ موضع ضد و نقیضی نسبت به آن گروه های افراطی دارد که در سوریه دست به عمل می زنند و خواهان « تغییر رژیم» در سوریه است. تا آن دمی که آشفتگی ها در سیاست داخلی ترکیه حل و فصل شوند - در یکشنبه آینده در آن کشور انتخابات پارلمانی است - و یک حکومت جدید تشکیل شود که سیاست های نوی داشته باشد، ایالات متحده امریکا و روسیه گزینه دیگری ندارند مگر اینکه خود را از ترکیه به مثابه یک طرف صحبت معنا دار، کنار کشند.

ترکیه به شدت در منطقه تجرید شده است و یک احساس حاد آسیب پذیری در قسمت مسأله کردها دارد که پای هستی اش نیز در آن مطرح می باشد. چیز خوب آنست که غیر محتمل به نظر می رسد که ترکیه همچون یک پولیس سواره به تنهایی در مسأله سوریه جلو برود. در نهایت در صورت تشکیل یک منطقه خود مختار کردنشین در سوریه و در امتداد مرزهای ترکیه، این کشور می کوشد تا علایق مرکزی و منافع حیاتی اش را به مثابه برترین اولویت نگه دارد.

ترک ها می دانند که غربیها نمی خواهند پای شان به درون سوریه کشانده شود. در عین زمان آن ها یک ملاحظه کاری سالم نسبت به قدرت روسیه دارند که در آگاهی تاریخی شان ریشه دارد. در رأس همه اینکه ترکیه امروز از درون دچار تفرقه است و در مورد مسأله چنین مهمی مانند سوریه کدام وفاقی وجود ندارد. تا زمانی که رئیس جمهور اردوغان در قدرت باقی بماند، این انقطاب شدید ادامه می یابد.

یکی از نتایج عمده جنگ داخلی سوریه در سیاستهای منطقه بی این بوده می تواند که ترکیه بی ثبات گردیده است. این کشور به یک سایه رنگ باخته مودل دموکراسی شگوفان برای جهان اسلام در خاورمیانه تبدیل شده است (تا همین اواخر فکر می شد که ترکیه می تواند نقش مودل دموکراسی را برای کشورهای اسلامی بازی کند).

فقط پای زمان در میان است که چه وقت روسیه از حکومت برسر قدرت در بغداد درخواست حمایت در جنگ علیه "دولت اسلامی" یا داعش به دست می آورد. جنگ زیر رهبری ایالات متحده امریکا علیه "دولت اسلامی" یا داعش، یک ناکامی غم انگیز را نشان می دهد. بغداد احساس می کند که اذیت می شود و با وجود اعمال فشار شدید واشنگتن که پای روسیه را به صحنه عراق نکشاند، شاید قضایا قبلاً در این مسیر حرکت کرده باشند. مصر، سوریه و عراق در تاریخ مدرن شرق میانه قلب پرتپش "عربیت" را تشکیل می داده اند. بنابراین، در کل، پرده سلطه یک قرنه غربیها بر شرق میانه در حال پایین آمدن به نظر می رسد.